



تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۶/۲۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۸/۲۵

زهره

خیابانی مقدم*

بررسی و تحلیل آموزه قیامت در قرآن و کتاب مقدس عبری

چکیده

مسئله قیامت و برانگیخته شدن مردگان به منظور حسابرسی به اعمال در قرآن کریم به صراحت ذکر شده است و تمامی آیات مرتبط با این مسئله نسبت به هم، همپوشانی داشته و مکمل یکدیگرند و تناقضی بین آیات دیده نمی‌شود نه به لحاظ لفظی و نه به لحاظ معنا.

در مقابل در کتاب مقدس عبری یهود هم به لحاظ کمی و هم به لحاظ کیفی آنطور که لازمه یک دین الهی است به این مسئله اساسی پرداخته نشده است بلکه غالباً مفاهیم مبهم و نامعلوم رها شده‌اند. گاهی برداشت از آیه ای دیگر در همین کتاب تصور دینی، غیر الهی به انسان می‌دهد؛ اگر چه تلمود یهود به مراتب وضعیت بهتری نسبت به کتاب مقدس عبری دارد. در نتیجه می‌توان گفت نکات اشتراک بین قرآن و تلمود به مراتب بیشتر از نقاط اشتراک بین قرآن و کتاب مقدس عبری است که با بررسی و مقایسه آیات ناظر به مسئله قیامت و معاد در قرآن و کتاب مقدس عبری این مسئله کاملاً واضح و روشن می‌شود.

واژگان کلیدی: قیامت، قرآن، کتاب مقدس عبری، تورات، تلمود.

طرح بحث

یکی از آموزه‌های اصلی هر دین توحیدی اعتقاد به روز قیامت و برانگیخته شدن مردگان جهت حسابرسی اعمال است که همواره تمامی پیامبران الهی بعد از دعوت انسان‌ها به پرستش خدای یگانه، مردم را به آن دعوت می‌کردند.

این اعتقاد ناشی از فطرت پاک و باور طبیعی هر انسانی است که برای هر کاری به دنبال هدفی می‌گردد و گرنه آن را عبث و باطل می‌انگارد. زندگی انسان در دنیای محدود و محصور کردن او به همین دنیا، تفکر عبث بودن آفرینش انسان را به دنبال می‌آورد؛ چرا که زندگی نباتی یا حیوانی ۷۰ یا ۸۰ ساله انسان دیگر نیازی به استعدادهای عظیمی چون نفس ناطقه و قوه عاقله ندارد بلکه به واسطه قوه غریزه حیوانی هم می‌تواند چند سال عمر محدودش را سپری کند و در نهایت به مردگان بپیوندد.

در واقع می‌توان گفت اگر باور به این اصل اعتقادی نباشد انسان زندگی پوچ و باطلی خواهد داشت و زندگی او به اباحه گری خواهد گذشت. حال با توجه به این امر سوالی که مطرح می‌شود این است که آیا همانطور که عقل، اعتقاد به قیامت را ضروری یک دین توحیدی و موافق با حکمت خداوند می‌داند؛ حقیقتاً در اصول ادیان توحیدی کنونی چنین اصلی جایی دارد یا خیر؟

در این نوشتار تلاش شده است تا در حد توان و با استفاده از کتب و مقالات معتبر به بررسی این اصل اعتقادی در دو دین توحیدی اسلام و یهودیت پرداخته شود. محور اصلی بررسی هم دو کتاب مقدس یعنی قرآن کریم و کتاب مقدس عبری است که هر یک به عنوان یک کتاب مقدس، معیار و معتبر در نزد پیروان این دو دین الهی و توحیدی به صورت پیش فرض در نظر گرفته شده است. البته به صورت ضمنی، گوشه‌ی نگاهی نیز به تلمود (سنت شفاهی یهود) خواهیم داشت.

الف. اعتقاد به قیامت در قرآن

اعتقاد به معاد و قیامت همانند دیگر ادیان الهی یکی از اصول دین مبین اسلام است. قیامت در



واقع مجموعه حوادثی است که با وقوع آن نظام حاکم بر جهان فرو می‌پاشد تا نظام جدیدی به دنبال آن برای بررسی اعمال مردم و جزا دادن به آنها برپا گردد. (سبحانی، ۱۳۸۷: ص ۱۵۳)

شهید مطهری در این باره می‌گوید: پیغمبران آمده‌اند برای اینکه مردم را به دو حقیقت مؤمن و معتقد کنند: یکی به خدا (مبدأ) و دیگر به قیامت

لذا ایمان به این اصل شرط مسلمانی و انکار آن سبب خارج شدن از زمره مسلمانان است. شهید مطهری در خصوص ضرورت ایمان به معاد می‌گوید: ایمان به معاد برای یک مسلمان لازم است یعنی معاد مستقلاً موضوع ایمان و اعتقاد است و در ردیف مسائلی نیست که چون از ضروریات اسلام است ایمان به آن به تبع ضرورت ایمان به پیغمبر (صلی‌الله‌علیه و آله و سلم) ضروری باشد. (مطهری، ۱۳۵۸: ص ۹)

طبق نظر برخی از محققین در حدود هزار و هفتصد آیه از قرآن مجید راجع به قیامت و ثواب و عقاب و بازگشت اعمال است، در نتیجه می‌توان گفت نزدیک به یک سوم قرآن در بیان قیامت می‌باشد. (قرشی، ۱۳۷۱: ج ۶، ص ۵۴)

۱. واژه‌شناسی قیامت در قرآن

قرشی در قاموس قرآن می‌نویسد: کلمه قیامت مصدر است در مجمع گوید:

«قام یقوم قیاما و قیامة» مثل «عاد یعود عیادا و عیادة» پس قیامت به معنی برخاستن و یوم

القیامت به معنی روز برخاستن از قبرها و روز زنده شدن است.

راغب گوید:

تاء آن برای دفعه است و دلالت بر وقوع دفعی آن دارد. این لفظ بنا بر شمارش المعجم

المفهرس مجموعاً هفتاد بار در قرآن مجید ذکر شده و همه توأم با کلمه (یوم) اند. (قرشی، ۱۳۷۱:

ج ۶، ص ۵۴)



۲. نام های روز قیامت

در قرآن کریم نام های بسیاری برای روز جزا آورده شده است مانند یوم القیامه (انعام/۱۲) یوم التتاین (تغابن/ ۹)، یوم الحساب (ص/ ۱۶)، یوم الساعه (جاثیه/ ۲۷)، توجه به معنای لغوی و کاربردی قرآنی نشان می دهد که هر یک از این نام ها بر وصف خاصی از قیامت دلالت دارد. مشهورترین و پرکاربردترین نام روز جزا، یوم القیامه می باشد. (طیب حسینی، ۱۳۹۰: صص ۵۳ و ۵۲)

۳. آیات قرآن ناظر به روز قیامت

قرآن به دنبال بیان حوادث هراس انگیز روز قیامت، به بیان مراحل آخرت می پردازد، از توصیف حوادث مقارن با وقوع قیامت تا آنجا که خلائق به جایگاه نهایی خویش روند. (سبحانی، ۱۳۸۷: ص ۱۵۳)

اکنون با توجه به آیات قرآن به بررسی این مراحل می پردازیم:

- متلاشی شدن نظام کیهانی

در قرآن کریم از حوادثی نام برده که به هنگام قیامت رخ می دهد اعم از حوادث طبیعی و در واقع قرآن از باب تفضل عالم قیامت را پیش چشم این انسان خاکی به تصویر می کشد آن هم به اندازه فهم و ظرفیت انسان. (مصباح یزدی، ۱۳۸۶: ص ۴۸۲)

در آیات بسیاری نشانه های قیامت به صورت مثال و تشبیه به تصویر کشیده شده است

«إِذَا زُلْزِلَتِ الْأَرْضُ زِلْزَالَهَا. وَأَخْرَجَتِ الْأَرْضُ أَثْقَالَهَا» (زلزال/ ۱-۲)

آنگاه که زمین به لرزش [شدید] خود لرزانیده شود. و زمین بارهای سنگین خود را برون افکند در این سوره سخن از قیامت و زنده شدن مردم برای حساب و اشاره به بعضی از علامتهایش رفته، که یکی زلزله زمین و یکی دیگر سخن گفتن آن از حوادثی است که در آن رخ داده. مراد از انتقال زمین که در قیامت زمین آنها را بیرون می ریزد مردگان و یا گنجها و معادنی است که در شکم خود داشته؛ و ممکن هم هست منظور همه اینها باشد (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۲۰: ص ۵۸۱)



«كَلَّا إِذَا دُكَّتِ الْأَرْضُ دَكًّا دَكًّا.» (فجر/۲۱)

نه چنان است آنگاه که زمین سخت در هم کوبیده شود

دک بمعنی کوبیدن است و «ذُكَّتُ الشَّيْءُ دَكًّا» آنوقت گویند که آنرا بکوبی و با زمین یکسان

کنی. (قرشی، ۱۳۷۱، ج ۲: ص ۳۵۱)

«إِذَا الشَّمْسُ كُوِّرَتْ.» (تکویر / ۱)

آنگاه که خورشید به هم درپیچد

کلمه «تکویر» که مصدر فعل «کورت» است به معنای پیچیدن چیزی و به شکل مدور در

آوردن آن است، نظیر پیچیدن عمامه بر سر و شاید تکویر خورشید استعاره باشد از اینکه تاریکی بر

جرم خورشید احاطه پیدا می کند. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۲۰: ۳۴۸)

- بیرون آمدن مردم از قبرها

قرآن در برخی آیات به جریان نفخ صور بعد از برپایی قیامت اشاره کرده و نتیجه آن را بیرون

آمدن انسان ها از قبور خویش و فراخوان عمومی برای حسابرسی به اعمال عنوان می کند

(سبحانی، ۱۳۸۷: ص ۱۵۴)

«وَتُفْخَفِي الصُّورِ فَإِذَا هُمْ مِنَ الْأَجْدَاثِ إِلَىٰ رَبِّهِمْ يَنْسِلُونَ.» (یس / ۵۱ - ۵۲)

و در صور دمیده خواهد شد پس بناگاه از گورهای خود شتابان به سوی پروردگار خویش می آیند

- عرش خداوند

«وَالْمَلَكُ عَلَىٰ أَرْجَائِهَا وَيَحْمِلُ عَرْشَ رَبِّكَ فَوْقَهُمْ يَوْمَئِذٍ ثَمَانِيَةٌ.» (حاقه / ۱۷)

و فرشتگان در اطراف [آسمان] اند و عرش پروردگارت را آن روز هشت [فرشته] بر سر خود بر

می دارند

«وَتَرَى الْمَلَائِكَةَ حَافِينَ مِنْ حَوْلِ الْعَرْشِ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَقُضِيَ بَيْنَهُم بِالْحَقِّ وَقِيلَ الْحَمْدُ لِلَّهِ



رَبِّ الْعَالَمِينَ» (زمر/ ۷۵)

در آن روز) فرشتگان را می‌بینی که بر گرد عرش خدا حلقه زده اند (و حمد او می‌گویند) و در میان بندگان به حق داوری می‌شود و (سرانجام) گفته می‌شود حمد مخصوص پروردگار جهانیان است.

طبرسی که مجمع البیان ذیل آیه می‌گوید:

خداوند امر داوری و قضا را در آخرت بزرگ قرار داده به این که (عرش) نصب شود و ملائکه در دور عرش قیام کرده و خدا را تعظیم و ستایش می‌کنند چنان که پادشاهان چون بخواهند داوری کنند بر تخت خود می‌نشینند و لشکر خود را می‌فرمایند تا برای تعظیم آنان در کنار ایشان قرار گیرند، اگر چه قرار گرفتن خداوند بر عرش محال است زیرا خداوند به صفت اجسام و جواهر نیست و جلوس بر عرش از صفات اجسام است ولی از باب تفهیم و مثال چنین بیان شده است. (طبرسی، ج ۲۱: ص ۲۲۳)

– خداوند پادشاه روز جزا

آیاتی از قرآن که اشاره به این دارد که داوری و حکم از آن خداوند است

«مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ.» (حمد/ ۳) خدائی که مالک روز جزاست

طالقانی در تفسیر ذیل این آیه می‌نویسد: در آیات دیگر خداوند هم به مالک توصیف شده هم به ملک، ملک (پادشاه) متصرف در اداره کشور است، مالک (دارا) هر گونه تصرفی نسبت بآنچه دارد میتواند و هر چه قدرت تصرف بیشتر باشد مالکیت بیشتر است، (طالقانی، ۱۳۶۲، ج ۱: ۲۸)

«إِنَّ رَبَّكَ يَقْضِي بَيْنَهُمْ بِحُكْمِهِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْعَلِيمُ.» (نمل/ ۷۸)

پروردگار تو میان آنها در قیامت به حکم خود داوری می‌کند و اوست قادر و دانا.

«الْمَلِكُ يَوْمَئِذٍ لِلَّهِ يَحْكُمُ بَيْنَهُمْ فَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فِي حَنَاتِ النَّعِيمِ.» (حج/ ۵۶)

حکومت و فرمانروائی در آن روز از آن خدا است و بین آنها حکم می‌فرماید کسانی که ایمان



آورده اند و عمل صالح انجام داده اند در باغهای پر نعمت بهشتند.

باز شدن نامه های اعمال

به دنبال فراخوان عمومی و حضور در محکمه عدل الهی صحیفه های اعمال گشوده شده و طبق آیات قرآن هر کس متناسب با شان و عملش نامه خویش را به دست راست یا به دست چپ دریافت می کند (سبحانی، ۱۳۸۷: ص ۱۵۴)

«وَإِذَا الصُّحُفُ نُشِرَتْ» (تکویر / ۱۰)

و آنگاه که نامه‌ها زهم بگشایند.

«فَأَمَّا مَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ...» (انشقاق / ۷-۱۱)

اما کسی که کارنامه‌اش به دست راستش داده شود.

- شاهدان روز داوری

بعد از گشوده شدن نامه های اعمال نوبت به حسابرسی اعمال می رسد در این میان قرآن از شاهدانی نام می برد که علاوه بر صدق شهادتشان احدی قدرت انکار شهادت ایشان را ندارد به گونه ای که برای انسان راهی به جز اعتراف و تقصیر باقی نمی ماند ندارد این شاهدان یا داخلی هستند که عبارت‌اند از اعضا و جوارح یا شاهدان خارجی هستند اعم از خداوند سبحان، پیامبران و فرشتگان. گاهی نیز شاهدی در کار نیست بلکه خود عمل در نزد عامل مجسم می شود به گونه ای که برای انسان راهی به جز اعتراف و تقصیر باقی نمی ماند. (سبحانی، ۱۳۸۷: ۱۵۵)

«وَيَوْمَ نَبْعَثُ فِي كُلِّ أُمَّةٍ شَهِيدًا عَلَيْهِمْ مِنْ أَنْفُسِهِمْ وَجِئْنَا بِكَ شَهِيدًا عَلَىٰ هَؤُلَاءِ...» (نحل / ۸۹)

و [به یاد آور] روزی را که در هر امتی گواهی از خودشان برایشان برانگیزیم و تو را [هم] بر این [امت] گواه آوریم

«كَيْفَ إِذَا جِئْنَا مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ بِشَهِيدٍ وَجِئْنَا بِكَ عَلَىٰ هَؤُلَاءِ شَهِيدًا.» (نساء / ۴۱)

پس چگونه است [حالشان] آنگاه که از هر امتی گواهی آوریم و تو را بر آنان گواه آوریم.



این آیه به وضوح بر شهادت پیامبر اکرم (صل الله علیه و آله و سلم) بر امت خویش دلالت دارد

«مَا يَلْفُظُ مِنْ قَوْلٍ إِلَّا لَدَيْهِ رَقِيبٌ عَتِيدٌ.» (ق / ۱۸)

آدمی هیچ سخنی را به لفظ در نمی آورد مگر اینکه مراقبی آماده نزد او آن را ضبط می کند
اشاره به فرشتگانی دارد که در همین دنیا مامور ثبت اعمال خوب و بد انسان هستند. (مکارم،
۱۳۷۱: ج ۲۲، ص ۲۴۹)

«يَوْمَ تَشْهَدُ عَلَيْهِمْ أَلْسِنَتُهُمْ وَأَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ.» (نور / ۲۴)

در روزی که زبان و دستها و پاهایشان بر ضد آنان برای آنچه انجام می دادند شهادت می دهند

- به سوی بهشت یا دوزخ

بعد از داوری حکم الهی صادر می شود نگاه اهل معصیت راه دوزخ پیش می گیرد و اهل طاعت

راه بهشت با چهره هایی اندوهگین یا شادمان که حکایت از باطن هر یک دارد (سبحانی، ص ۳۴)
«وَسِيقَ الَّذِينَ كَفَرُوا إِلَىٰ جَهَنَّمَ زُمَرًا ۚ حَتَّىٰ إِذَا جَاءُوهَا فَفُتِحَتْ أَبْوَابُهَا وَقَالَ لَهُمْ خَزَنَتُهَا أَلَمْ يَأْتِكُمْ
رُسُلٌ مِنْكُمْ يَتْلُونَ عَلَيْكُمْ آيَاتِ رَبِّكُمْ وَيُنذِرُونَكُمْ لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هَٰذَا قَالُوا بَلَىٰ وَلَكِنْ حَقَّتْ كَلِمَةُ الْعَذَابِ
عَلَى الْكَافِرِينَ.» (زمر/ ۷۱)

کسانی که کافر شده اند گروه گروه به سوی جهنم رانده شوند تا چون بدان رسند درهای آن [به
رویشان] گشوده گردد و نگهبانانش به آنان گویند مگر فرستادگانی از خودتان بر شما نیامدند که
آیات پروردگارتان را بر شما بخوانند و به دیدار چنین روزی شما را هشدار دهند گویند چرا ولی فرمان
عذاب بر کافران واجب آمد

«وَتَأْدَىٰ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ أَصْحَابَ النَّارِ أَنْ قَدُوا وَجَدْنَا مَا وَعَدْنَا رَبَّنَا حَقًّا فَهَلْ وَجَدْتُمْ مَا وَعَدَ رَبُّكُمْ
حَقًّا قَالُوا نَعَمْ فَأَذَّنَ مُؤَذِّنٌ بَيْنَهُمْ أَنْ لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ» (اعراف/ ۴۴)

و بهشتیان دوزخیان را آواز می دهند که ما آنچه را پروردگارتان به ما وعده داده بود راست

یافتیم آیا شما [نیز] آنچه را پروردگارتان وعده کرده بود راست و درست یافتید می گویند آری پس



آوازدهنده ای میان آنان آواز درمی دهد که لعنت خدا بر ستمکاران باد.

«وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ تَرَى الَّذِينَ كَذَبُوا عَلَى اللَّهِ وُجُوهُهُم مُّسْوَدَّةٌ أَلَيْسَ فِي جَهَنَّمَ مَثْوًى لِّلْمُتَكَبِّرِينَ»

و روز قیامت کسانی را که بر خدا دروغ بسته اند رو سیاه می بینی آیا جای سرکشان در جهنم

نیست. (زمر/۶۰)

ب. اعتقاد به قیامت در کتاب مقدس عبری

آنترمن در کتاب خود می نویسد:

هیچ توافق عامی در درون یهودیت درباره محتوای چارچوب اعتقادی ای که برای دین درست و

سنتی لازم است وجود ندارد. (آنترمن، ۱۳۸۵: ص ۶۱)

دنیز ماسون نیز در این باره می گوید:

مفسران در تطبیق برخی از نصوص عهد عتیق - که بیشتر حاکی از نوعی احیای قومی است بر

رستاخیز نهایی تردید دارند (ماسون، ۱۳۸۵: ج ۲، ۸۹۰)

در واقع بنای اساسی دیگری در دین یهود وجود دارد که آن اعتقاد به نجات تاریخی واقعی این

جهان یا اعتقاد به دوره ای مسیحایی است لذا به نظر می رسد داوری تبعیدشدگان یهودی در

سرزمین اسرائیل، بازسازی هیکل سلیمان، برخاستن مردگان و داوری بر بشر اموری هستند که با

این بنا یعنی رستگاری مسیحایی ربط داده شده اند. (آنترمن، ۱۳۸۵: ص ۵۹)

درست است کتاب مقدس عبری خصوصاً بخش تورات به وضوح از معاد سخن نمی گوید اما

تلمود که به عقیده برخی از یهودیان (فریسیان) سنت شفاهی تورات است از معاد بسیار سخن گفته

است (توفیقی، ۱۳۸۷: ص ۱۱۰)

لذا می بینیم که فرقه منقرض شده صدوقیان که تلمود را قبول نداشتند منکر قیامت بودند زیرا از

نظر آنان دلیلی برای تفسیر و بسط شریعت مکتوب وجود ندارد ولی فریسیان بر خلاف آنان به

قیامت معتقدند (توفیقی، ۱۳۸۷: ص ۱۱۰)



۱. قیامت در تورات

بخش اصلی کتاب مقدس عبری تورات است. یهودیان به مجموع اسفار تورات می گویند تورات واژه ای عبری به معنای قانون و شریعت است چرا که این بخش از عهد عتیق مجموعه ای از احکام و قوانین یهودیت را شامل می شود که به باور یهودیان کلام خداوند است و به موسی املا شده است. (توفیقی، ۱۳۸۷: ص ۹۷)

چنان که ابن میمون در شمارش اصول اعتقادی یهودیان می گوید:

نهمین اصل اساس اعتبار تورات است به این معنا که این تورات دقیقاً از جانب خدا و نه کسی دیگر املاء شده است. هیچ چیز نباید به تورات شفاهی و کتبی افزوده یا از آن کاسته شود... در ادامه می گوید: تورات از نزد خدا آمده است ما باید معتقد باشیم که همه تورات به طور کامل از سوی خدا توسط آقایان موسی (علیه السلام) به ما داده شده است (فرانسیس، ۱۳۸۴: ۳۹۹-۴۰۰)

با این وجود می بینیم کتاب تورات به ندرت از معاد سخن به میان آمده است اگر چه عباراتی در کتاب مقدس عبری یافت می شود که به قیامت اشاره دارد اما صراحت در این مطلب ندارد و اکثر وعده هایی که بر انجام واجبات دینی داده شده است به بازگشت ایشان به سرزمین معهود و بهره مندی از نعمات و برکات بی پایان باز می گردد (سبحانی، ۱۳۸۷: ص ۵۰)

اندیشمندان یهودی، همچون ابن کمونه در مورد اشاره نکردن تورات به قیامت معتقدند:

انبیاء به راهنمایی خداوند، پزشکان و طبیب دل ها هستند. طبیب، دردی که در جان مریض هست، مداوا می کند. مردم زمان موسی (علیه السلام) از منکرین قیامت و عقاب آن نبودند، بلکه مرضشان پرستش بت ها و ستارگان و... بود و معتقد بودند که پرستش غیر خدا، موجب آبادانی زمین و افزایش میوه ها است.

خداوند می خواست این افکار غلط را از اذهان آنان بردارد و به وسیله موسی (علیه السلام)، به آنها خبر داد که اگر ستارگان و بت ها را پرستش کنند، باران قطع می شود و زمین خراب می گردد و میوه ها و محصولات از بین می رود و امراض روی می آورند و عمرها کوتاه می گردد.

اگر به عبادت خدای روی آورند، حاصل خیزی زمین، صحت، سلامتی و طول عمر خواهند



داشت. به همین دلیل، وعده و وعیدهایی در همین مورد، در جای جای تورات تکرار شده است. اگر مرض آنان انکار قیامت و ثواب و عقاب اخروی بود، این مسئله نسل در نسل به دیگران منتقل می‌شد و آنان بر مردگانشان ترحم می‌ورزیدند و به توبه قبل از مرگ اعتقاد داشتند و کسانی را که می‌توانستند به دلیل قصاص بکشند از خدا درخواست می‌کردند که به واسطه این قتل، او را از عذاب اخروی نجات دهد. (اقارب پرست، ۱۳۹۲: ص ۹)

۲. قیامت در تلمود

کلمه «تلمود» در اصل به معنای آموزش و از فعل «لامد» یعنی «یاد داد» آمده است تلمود کتاب بسیار بزرگی است که شامل احادیث، احکام یهود و در واقع تاویل و تفسیر تورات است. (توفیقی، ۱۳۸۷: ص ۱۰۴)

سالتز می‌نویسد: اگر کتاب مقدس سنگ زاویه و شالوده یهودیت باشد تلمود ستون اصلی آن خواهد بود در واقع می‌توان گفت تلمود شریعت شفاهی یهودیان است. (سالتز، ۱۳۸۲: ص ۹)

کتاب تلمود از قیامت، امکان معاد و بهشت و جهنم بسیار سخن گفته است به عنوان مثال در تلمود می‌خوانیم اگر کسی بر انگیخته شدن مردگان را نفی کند در روز رستاخیز سهمی نخواهد داشت. (ماسون، ۱۳۸۵: ص ۸۷۷، کهن: ص ۳۶۲)

تلمود می‌گوید:

«پیش از آن که عالم هستی به وجود آید هفت چیز آفریده شد:

تورات، باغ عدن (بهشت)، جهنم، اورنگ جلال الهی، بیت همیقداش و نام ماشیح» (کهن، ۱۳۵۰: ص ۳۵۲، به نقل از پساحیم، ۵۴ الف) حتی در چندین جا از تلمود بر امکان معاد استدلال آورده و در مقام احتجاج با منکران معاد می‌گوید:

«خداوند که انسان را از یک قطره مایع به وجود می‌آورد به طریق اولی که می‌تواند او را بار

دیگر از خاک و گل به وجود آورد» (کهن، ۳۶۶: ۱۳۵۰، به نقل از سنهدرین، ۹۰، ب، ۹۱ الف)



۳. واژه‌شناسی قیامت در کتاب مقدس عبری

«روز جزا»، معادل اصطلاح عبری «یوم هدین»، به معنای روزی در آخرالزمان است که خداوند در آن، به حساب تمامی انسانها رسیدگی خواهد کرد. (اقارب پرست، ۱۳۹۲: ص ۱۵) واژه‌ی عبری «qoum» در کتاب مقدس در معنای برخاستن، از خواب برخاستن و احیا کردن دیده می‌شود. (ماسون، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۸۹۱)

۴. نام های روز قیامت در کتاب مقدس عبری

در کتاب مقدس عبری از روز رستاخیز و قیامت به نام‌های بسیاری یاد می‌کند؛ روز غضب (آن روز، روز غضب است) (صفنیا: ۱/۱۵)، روز انتقام برای یهوه (و تا از سال پسندیده‌ی خداوند و از یوم انتقام خدای ما ندا نمایم و جمیع ماتمیان را تسلّی بخشیم) (اشعیاء: ۶۱/۲)، روز عظیم (روز عظیم خداوند نزدیک است) (صفنیا: ۱/۱۴) و نام‌های دیگری چون: (آن روز، روز غضب است، روز تنگی و اضطراب، روز خرابی و ویرانی، روز تاریکی و ظلمت، روز ابرها و ظلمت غلیظ)، (صفنیا، ۱/۱۵)

۵. آیات کتاب مقدس عبری ناظر به قیامت

آیاتی در کتاب مقدس عبری یافت می‌شود که بر زنده‌شدن مردگان و وجود معاد دلالت دارد: «من میراننده و زنده کننده و زخم زنده و التیام دهنده هستم.» (سفر تثنیه، ۳۲:۳۹) که این عبارات به طور ضمنی به روز قیامت و برانگیخته شدن مردگان اشاره دارد برخی آیین آیه را اینطور تفسیر کرده اند که این مرده و زنده شدن برای یک نفر است نه اینکه خدا بخواهد یکی را بمیراند و دیگری را به رسم معمول دنیا زنده کند همانگونه که مجروح شدن و شفا یافتن، هر دو برای یک تن گفته شده است (کهن، ۱۳۸۲: ص ۲۷۶)

اکنون به بررسی آیات کتاب مقدس عبری که ناظر بر هر یک از مراحل داوری نهایی

در جهان واپسین است می‌پردازیم:



- متلاشی شدن نظام کیهانی

«اینک روز خداوند با غضب و شدت خشم و ستمکشی میآید تا جهان را ویران سازد و گناهکاران را از میانشآن هالک نماید.» (اشعیا، ۱۳: ۶/۱۰)

«و واقع خواهد شد که هرکه از آواز ترس بگریزد به حفره خواهد افتاد و هرکه از میان فره برآید گرفتار دام خواهد شد زیرا که روزنه‌های علیین باز شده و اساس‌های زمین متزلزل می‌باشد. زمین بالکل منکسر شده. زمین تماماً از هم پاشیده و زمین به شدت متحرک گشته است.

زمین مثل مستان افتان و خیزان است و مثل سایه بان به چپ و راست متحرک و گناهِش بر آن سنگین است. پس افتاده است که بار دیگر نخواهد برخاست» (اشعیا: ۲۴/ ۱۸-۲۰)

«و تمامی لشکر آسمان از هم خواهند پاشید و آسمان مثل و مار پیچیده خواهد شد؛ و تمامی لشکر آن پژمرده خواهند گشت، بطوریکه برگ از مو بریزد و مثل میوه نارس از درخت انجیر. زیرا که شمشیر من در آسمان سیراب شده است؛ و اینک بر ادوم و بر قوم مغضوب من برای داوری نازل می شود.» (اشعیا: ۳۴/ ۴-۵)

- بیرون آمدن مردم از قبرها

دنیز ماسون در این باره می‌نویسد:

مفسران در تطبیق برخی از نصوص عهد عتیق که پیش تر حاکی از نوعی احیاء قومی است بر رستاخیز نهایی تردید دارند با این حال رویای حزقیال جزئیاتی را ارائه می‌دهد که قابل تطبیق بر نوعی بازگشت به حیات است. (ماسون، ۱۳۸۵: ج ۲، ص ۸۹۰)

«مردگان تو زنده خواهند شد و جسدهای من خواهند برخاست... و زمین مردگان خود را بیرون خواهد افکند.» (اشعیا، ۲۶: ۱۹)

در کتاب حزقیال باب ۳۷ به مساله زنده شدن همه مردگان از استخوان‌های پوسیده پرداخته شده است:



«و او مرا گفت: ای پسر انسان آیا می شود که این استخوانها زنده گردد؟ گفتم: ای خداوند یهوه تو می دانی. پس مرا فرمود: بر این استخوانها نبوت نموده، به اینها بگو: ای استخوانهای خشک کلام خداوند را بشنوید! خداوند یهوه به این استخوانها چنین می گوید: اینک من روح به شما درمی آورم تا زنده شوید.» (حزقیال: ۳۷ / ۳-۵)

همچنین در کتاب هوشع می خوانیم: «بعد از دو روز ما را زنده خواهد کرد؛ و در روز سوم ما را خواهد برخیزانید و در حضور او زیست خواهیم نمود.» (هوشع: ۶ / ۲)

«و ماه خجل و آفتاب رسوا خواهد گشت زیرا که یهوه صباوت در کوه صهیون و در اورشلیم و به حضور مشایخ خویش، با جلال سلطنت خواهد نمود» (اشعیاء: ۲۴ / ۲۳) با توجه به این آیه، قیامت در اورشلیم و در کوه صهیون واقع خواهد شد لذا کسانی که در سرزمینهای دیگر خاک شده اند مجبور خواهند بود از طریق گذرگاههای زیر زمینی که برایشان محیا می شود به سرزمین مقدس روانه شوند و دلیل اینکه یعقوب و یوسف دوست داشتند در خاک فلسطین دفن شوند به همین سبب بوده است. (اقارب پرست، ۱۳۹۲: ص ۱۷)

«...خداوند یهوه چنین می فرماید اینک من قبرهای شما را می گشایم؛ و شما را ای قوم من از قبرهای شما درآورده، به زمین اسرائیل خواهیم آورد؛ و ای قوم من چون قبرهای شما را بگشایم و شما را از قبرهای شما بیرون آورم، آنگاه خواهید دانست که من یهوه هست و روح خود را در شما خواهم نهاد تا زنده شوید و شما را در زمین خودتان مقیم خواهم ساخت. پس خواهید دانست که من یهوه تکلم نموده و بعمل آورده ام، قول خداوند این است.» (حزقیال: ۳۷ / ۱۲-۱۵)

در اینجا از قیامت و برانگیخته شدن مردگان سخن گفته شده است؛ منتها این برخیزی از قبرها مختص بنی اسرائیل شمرده شده است نه اینکه عمومیت داشته باشد علاوه بر اینکه در اینجا نیز به برپای قیامت در سرزمین اسرائیل اشاره شده است

حنا مادر سموئیل بعد از وقف فرزندش به وصف پروردگار پرداخته در دعای خود می گوید: «خداوند می میراند و زنده می کند؛ به قبر فرود می آورد و برمی خیزاند.» (اول سموئیل: ۲ / ۶)



– عرش خداوند

در چندین جا از کتاب مقدس عبری از مساله داوری خداوند بر عرش که کنایه از سلطنت و جلال و شکوه خداوند است سخن به میان آمده است

«لیکن خداوند نشسته است تا ابدالآباد و تخت خویش را برای داوری برپا داشته است»؛
(مزامیر: ۹/ ۷)

«و نظرمی کردم تا کرسیها برقرار شد و قدیم الایام جلوس فرمود و لباس او مثل برف سفید و موی سرش مثل پشم پاک و عرش او شعله های آتش و چرخهای آن آتش ملتهب بود.» (دانیال: ۷/ ۹)

«در سالی که عزّیا پادشاه مرد، خداوند را دیدم که بر کرسی بلند و عالی نشسته بود و هیکل از دامنه های وی پر بود.» (اشعیاء: ۶/ ۱)

– خداوند پادشاه روز جزا

یهودیان نیز به داوری مطلق خداوند در روز قیامت قائل هستند «حاشا از تو که مثل این کار بکنی که عادلان را با شریران هلاک سازی و عادل و شریر مساوی باشند. حاشا از تو! آیا داور تمام جهان، انصاف نخواهد کرد؟» (پیدایش: ۱۸/ ۲۵)

«نانی که با خداوند مخاصمه کنند، شکسته خواهند شد. او بر ایشان از آسمان صاعقه خواهد فرستاد. خداوند، اقصای زمین را داوری خواهد نمود و به پادشاه خود قوت خواهد بخشید و شاخ مسیح خود را بلند خواهد گردانید.» (اول سموئیل: ۲/ ۱۰)

«خداوند امت ها را داوری خواهند نمود. ای خداوند، موافق عدالتم و کمالی که در من است مرا داد بده.» (مزامیر: ۹/ ۷)

– باز شدن نامه های اعمال

«چشمان تو جنین مرا دیده است و در دفتر تو همه اعضای من نوشته شده، در روزهایی که



ساخته می شد، وقتی که یکی از آنها وجود نداشت.» (مزامیر: ۱۳۹/۱۶)

«خداوند به موسی(علیه السلام) گفت: هر که گناه کرده است، او را از دفتر خود محو سازم؛ و اکنون برو و این قوم را بدانجایی که به تو گفته ام، راهنمایی کن، اینک فرشته من پیش روی تو خواهد خرامید، لیکن در یوم تفقد من، گناه ایشان را از ایشان بازخواست خواهم کرد.» (خروج: ۳۲ / ۳۳) ظاهر این عبارات بر این مطلب دلالت دارد که نامه اعمال خصوص صالحان است لذا نام گناه کار از این دفتر محو خواهد شد. «نهری از آتش جاری شده، از پیش روی او بیرون آمد. هزاران هزار او را خدمت می کردند و کرورها کرور به حضور وی ایستاده بودند. دیوان برپا شد و دفترها گشوده گردید.» (دانیال: ۷/ ۱۰) لفظ دفترها اشاره به این مطلب دارد که برای هر فردی نامه اعمال مخصوص به خودش آورده می شود.

– شاهدان روز داوری

برخی از آیات کتاب مقدس عبری بر شاهد بودن خداوند، آسمانها و زمین و وجه و سیمای انسان دلالت دارد

«چونکه ایشان در اسرائیل حماقت نمودند و با زنان همسایگان خود زنا کردند و به اسم من کلامی را که به ایشان امر نفرموده بودم کاذبانه گفتند و خداوند می گوید که من عارف و شاهد هستم.» (ارمیا: ۲۹/ ۲۳)

«زیرا که من تمرد و گردن کشی شما را می دانم. اینک امروز که من هنوز با شما زنده هستم بر خداوند فتنه انگیزخته اید، پس چند مرتبه زیاده بعد از وفات من. جمیع مشایخ اسباط و سروران خود را نزد من جمع کنید تا این سخنان را در گوش ایشان بگویم و آسمان و زمین را بر ایشان شاهد بگیرم.» (تثنیه: ۳۱/ ۲۶-۲۷)

«سیمای رویهای ایشان به ضد ایشان شاهد است و مثل سدوم گناهان خود را فاش کرده، آنها را مخفی نمی دارند. وای بر جانهای ایشان زیرا که به جهت خویشتن شرارت را بعمل آورده اند.» (اشعیا: ۳/ ۹)



- به سوی بهشت و جهنم

طی بررسی که شد به آیاتی از کتاب مقدس عبری، دست نیافتیم که به وضوح به احوال نیکوکاران و بدکاران بعد از حکم داوری خداوند در روز قیامت، اشاره کرده باشد در واقع بهشت و جهنم که در کتاب مقدس عبری از آن به عدن و شئول یاد شده است همان بهشت و جهنمی که کيفر و پاداش نیکوکاران و بدکاران است نمی باشد (آشتیانی، ۱۳۶۸: ص ۲۶۳) بلکه عدن بهشتی زمینی است که محل زندگی آدم و حوا در ابتدای خلقت بوده است (فرانسیس ۱۳۸۴: ص ۴۷۷)

«خداوند باغی در عدن بطرف مشرق غرس نمود و آن آدم را که سرشته بود، در آنجا گذاشتند» (پیدایش: ۲/ ۸). ماسون می گوید: این واژه (عدن) را در عهد عتیق در مفهوم معمول باغ می یابیم (ماسون ۱۳۸۵: ص ۹۵۷)

شئول هم به یک مکان تاریک و زیر زمینی که با خشونت مرده اند یا با شیوه مناسبی دفن نشده اند اشاره دارد. (فرانسیس ۱۳۸۴: ص ۴۶۴)

مؤلف کتاب تحقیقی در دین یهود به نقل از بارنس و بکر می نویسد: در دین موسی اعتقاد به زندگی ابدی و بهشت و دوزخ و کيفر فردی به صورت کنونی و بخصوص سعادت ابدی و پیروزی خوبی بر بدی وجود نداشت و این افکار مسلماً از ایرانیان در دین عبرانیان نفوذ کرده است. (آشتیانی، ۱۳۶۸: ص ۲۶۱)

وی در ادامه دوران اسارت در بابل، فتح بابل توسط کوروش و از طرفی کوشش انبیاء برای از بین بردن یاس و ناامیدی قوم یهود را منبع این نظریات عنوان می کند (همان) این در حالی است که به تصریح قران (بقره/۹۴، ۸۰، ۱۱۱ و آل عمران/۲۴) یهودیان منکر اصل معاد و قیامت نبودند بلکه به خاطر روحیه خودبرتر بینی که داشتند می پنداشتند بهشت مخصوص آنهاست و اگر هم به جهنم بروند ایام محدودی خواهد بود.



نتیجه بحث

قرآن به صراحت و بدون وجود هیچ تناقضی در سرتاسر آیات به قیامت و برانگیخته شدن مردگان در جهان واپسین اذعان دارد در حالی که در کتاب مقدس عبری نه تنها به وضوح به مساله معاد و رستاخیز نمی پردازد بلکه تناقضات گوناگونی نیز، در این خصوص مشاهده می شود از جمله:

در مزمور ۴۹ می گوید انسان بدکارعاقبتی همچون حیوانات دارد و سرانجام او فقط مرگ و هلاکت است گویی جزا و کیفر او جز مرگ نیست. «انسانی که در حرمت است و فهم ندارد، مثل بهایم است که هلاک می شود.» (مزامیر: ۴۹/ ۲۰) و در جای دیگر جزای عمل را هم برای نیکوکار می داند هم برای بدکار. «و بسیاری از آنانی که در خاک زمین خوابیده اند بیدار خواهند شد، اما اینان به جهت حیات جاودانی و آنانی به جهت خجالت و حقارت جاودانی» (دانیال: ۱۲/ ۲)

در حزقیال باب ۳۷، قیامت و رستاخیز را مختص قوم بنی اسرائیل می داند «اینک من قبرهای شما را می گشایم؛ و شما را ای قوم من از قبرهای شما درآورده، به زمین اسرائیل خواهم آورد؛ و ای قوم من چون قبرهای شما را بگشایم و شما را از قبرهای شما بیرون آورم، آنگاه خواهید دانست که من بیهوه هستم...» (حزقیال: ۳۷/ ۱۲-۱۵) و در جایی دیگر از زبان اشعای نبی رستاخیز را سرانجام همه انسانها می شمارد.

گاهی داوری نهایی را محدود به همین دنیا می کند. «و ماه خجل و آفتاب رسوا خواهد گشت زیرا که بیهوه صباوت در کوه صهیون و در اورشلیم و به حضور مشایخ خویش، با جلال سلطنت خواهد نمود.» (اشعیا: ۲۴/ ۲۳) و گاهی از داوری خداوند پس از مرگ سخن می گوید: «و بسیاری از آنانی که در خاک زمین خوابیده اند بیدار خواهند شد، اما اینان به جهت حیات جاودانی و آنانی به جهت خجالت و حقارت جاودانی» (دانیال: ۱۲/ ۲)

گاهی جزای اعمال انسان را موقوف به جهان پس از مرگ می کند چنان که از ظاهر این آیه فهمیده می شود: «و مجمع امت ها گرداگرد تو بیایند؛ و فوق ایشان به مقام اعلی رجوع فرما. خداوند امت ها را داوری خواهند نمود. ای خداوند، موافق عدالتم و کمالی که در من است مرا داد



بده» (مزامیر: ۵/ ۷-۸). در تلمود نیز می‌خوانیم:

«اگر روزی، ۹۹۹ عمل ناشایست به زبان کسی باشد و تنها یک عمل نیک به سود او باشد، خداوند آن نیکی را بگیرد و ترازو را به این سو بگرداند.» (ماسون، ۱۳۸۵: ص ۹۰۲)

و گاهی کیفر و پاداش اطاعت از خدا را در همین دنیا می‌داند آن هم به صورت گروهی و عشیره ای بدون اینکه اشاره ای به جزا در روز قیامت بکند (آشتیانی، ۱۳۶۸: ۲۵۶) «و اگر فرایض مرا رد نمایید و دل شما احکام مرا مکروه دارد تا تمامی اوامر مرا بجا نیاورده، عهد مرا بشکنید، من این را به شما خواهم کرد که خوف و سل و تب را که چشمان را فنا سازد و جان را تلف کند، بر شما مسلط خواهم ساخت و تخم را بی فایده خواهید کاشت و دشمنان شما آن را خواهند خورد... و بقیه شما در زمین دشمنان خود در گناهان خود فانی خواهند شد و در گناهان پدران خود نیز فانی خواهند شد.» (لاویان: ۲۶/ ۱۴-۳۹) از طرفی در حزقیال عکس ایه قبل آمده است «هرکه گناه کند او خواهد مرد. پسر متحمل گناه پسرش نخواهد بود. عدالت مرد عادل بر خودش خواهد بود و شرارت مرد شریر بر خودش خواهد بود.» (حزقیال: ۱۸/ ۲۰)

نشانه های برپایی قیامت

هم در قرآن کریم و هم در کتاب مقدس عبری به متلاشی شدن و از هم پاشی نظام کنونی جهان اشاره دارد منتها در این خصوص آیات قرآن هم به لحاظ کمیت و هم به لحاظ کیفیت و صراحت بر کتاب مقدس عبری برتری دارد

رستاخیز مردگان

قرآن رستاخیز مردگان را مختص تمامی انسان ها اعم از نیکوکار و بدکار می‌داند در حالی که کتاب مقدس عبری در این خصوص متناقض برخورد می‌کند. گاهی آن را مختص قوم خاصی می‌داند گاهی آن را مختص نیکوکاران می‌داند و گاهی چون قرآن به آن عمومیت می‌دهد.

نامه اعمال

آیات قرآن به گشودن نامه اعمال تمامی انسان ها اعم از خوب و بد دلالت دارد علاوه بر اینکه در خصوص چگونگی دریافت نامه توسط انسان ها نیز بحث می‌کند اما در کتاب مقدس عبری



گاهی نامه اعمال را مختص صالحان میدانند و گاهی چون قرآن برای تمامی انسان‌ها می‌داند

شاهدان روز قیامت

آیات بسیاری از قرآن بر انواع شاهدان و گواهان روز جزا دلالت دارد و صریحا چگونگی شهادت شاهدان را نیز توضیح و تبیین می‌کند بر خلاف کتاب مقدس عبری که اشاره مختصری به این مساله دارد و دایره شاهدان را تنگ‌تر و گاهی آن را مختص خداوند گرفته است

پایان داوری

در قرآن کریم آیاتی داریم که به حالات بیرونی و درونی و گفت و گوی نیکوکاران و بدکاران بعد از رسیدگی به اعمال می‌پردازد اما در خصوص کتاب مقدس عبری به چنین آیاتی که ناظر بر این مساله باشد دست نیافتیم

آنچه در نهایت می‌توان گفت این است که آیات قرآن ناظر به مساله قیامت په به لحاظ کمی و چه به لحاظ کیفی با آیات کتاب مقدس عبری که ناظر به همین مساله است قابل قیاس نیست خصوصا بخش تورات که به ادعای یهودیات (همچون قرآن) از اعتبار و قداست حداکثری برخوردار است. اری در خصوص تلمود می‌توان گفت: تلمود به نسبت با متن کتاب مقدس عبری به مساله معاد به طور گسترده تری پرداخته است؛ هر چند در جای خود ثابت شده است که تلمود و سنت شفاهی یهود تحت تاثیر عقاید زردشتیان و دین اسلام قرار داشته است



منابع و مآخذ

*قران کریم

*کتاب مقدس عبری

۱. اقارب پرست، فاطمه سعیده، پرچم، اعظم، ادیان مذاهب و عرفان، معرفت ادیان، زمستان ۱۳۹۲، ۱۷
۲. آشتیانی، جلال الدین، تحقیقی در دین یهود، چاپ دوم، نشر نگارش ۱۳۶۸
۳. آترومن، الن، باورها و آیین های یهودی، ترجمه رضا فرزین، چاپ اول، قم: مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب ۱۳۸۵ ه ش
۴. توفیقی، حسین، آشنایی با ادیان بزرگ، چاپ یازدهم، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه ها (سمت)، قم: موسسه فرهنگی طه ۱۳۷۹ ه ش
۵. سبحانی تبریزی، جعفر، معادشناسی، تحقیق از علی شیروانی، قم: دارافکر ۱۳۸۷ ه ق
۶. سالتز، ادین اشتاین، سیری در تلمود، ترجمه باقر طالبی، قم: مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، ۱۳۸۲ ه ش
۷. طالقانی، محمود، پرتوی از قران، چاپ چهارم، تهران: شرکت سهامی انتشار ۱۳۶۲
۸. طباطبایی، محمد حسین، ترجمه تفسیر المیزان، مترجم محمد باقر موسوی، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم ۱۳۷۴
۹. طبرسی، فضل بن حسن، ترجمه تفسیر مجمع البیان، مترجم حسین نوری همدانی، ۲۷ جلد، چاپ اول، تهران: ناشر فراهان
۱۰. طبیب حسینی، سید محمود، نام های قیامت در قران و سر نامگذاری آن ها، فصلنامه سراج

منیر، سال اول، بهار ۱۳۹۰، شماره ۲



۱۱. فرانسیس، پترز، یهودیت مسیحیت و اسلام، مترجم حسین توفیقی، چاپ اول، قم: مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب ۱۳۸۴ ه ش
۱۲. قرشی، علی اکبر، قاموس قران، چاپ ششم، تهران: دارالکتب الاسلامیه ۱۳۷۱ ه ش
۱۳. کوهن، شریاک، دن، فلسفه ی یهودی در قرون وسطی، مترجم علیرضا نقد علی، قم: مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب ۱۳۸۳ ه ش
۱۴. کهن، ابراهام، گنجینه ای از تلمود، ترجمه از متن انگلیسی امیر فریدون گرگانی و ترجمه و تطبیق با متن عبری بهوشوع و نتن انی، چاپ اول، بی جا، چاپ خانه زیبا ۱۳۵۰ ه ش
۱۵. ماسون، دنیز، قران و کتاب مقدس، مترجم فاطمه سادات تهامی، ۲ جلد، تهران: دفتر پژوهش و نشر سهروردی ۱۳۸۵ ه ش
۱۶. مصباح یزدی، محمد تقی، معارف قران (۱-۳) خداشناسی-کیهان شناسی-انسان شناسی، چاپ اول، قم: انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) ۱۳۸۶ ه ش
۱۷. مطهری، مرتضی، معاد، چاپ بیست و یکم، قم: انتشارات صدرا ۱۳۸۹ ه ش
۱۸. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، جمعی از نویسندگان، چاپ اول، دارالکتب الاسلامیه ۱۳۷۱

